

قضیه بیخ پیدا کرد ...

من مسئول بودم یعنی؟



یوریا عالمی

● دیروز اولین مناظره انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ برگزار شد و خوشبختانه ما متوجه شدیم همه کاندیداها پژو ۴۰۵ سوار می‌شوند و همین امر سبب شد ما با خانواده چراغ‌ها را خاموش و برای این ساده‌زیستی مسئولان گریه کنیم. خود ما ماشینمان را تا حالا ۱۰بار دادیم برای عروسی دوستانمان، والله اگر می‌دانستیم می‌رفتم با هزینه شخصی، ماشین را گل می‌زدیم و آقای رئیسی و قالیباف را حداقل می‌رساندیم. مادر ما می‌گفت همین که مسئولان با نیشان آبی نیامدند تا نشان بدهند روی ماشین کار می‌کنند باید خدا را شکر کنیم. مناظره هم که شروع شد، ما متوجه شدیم در انتخاب مجری اشتباه کردند، چون مجری «مسابقه محله» حتما می‌توانست بهتر از حیدری مسابقه را اجرا کند. در ضمن ما یادمان افتاد حیدری یک مشکل اقامتی یا درسی یا... برایش پیش آمده بود، چی شد؟ حل شد؟

چیزی هم که مناظره به ما نشان داد این بود که همه کاندیداها معتقدند کشور مشکل اساسی دارد. خب با توجه به اینکه همه کاندیداها ۳۰ سال مدیر کشور بودند، ما به‌عنوان مردم عادی متوجه شدیم ما کشور را به اینجا کشادیم و در نتیجه از همه مسئولان و کاندیداها عذر می‌خواهم که آنان را به زحمت انداختم. در نهایت من فعلا مجاب شدم به هاشمی‌طبا رای بدهم، چون او تنها کاندیدایی بود که جای اینکه حرف بزند، خوب دقت می‌کرد.

پیشنهاد

● پنجمین دوره جایزه کتاب مهر که در آن دختران نوجوان مهرطه و دو سمن دیگر به داوری کتاب‌های نوجوان نشستند، دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ساعت ۱۷ تا ۱۹ در فرهنگ‌سرای سرو برگزار می‌شود. حضور برای همگان آزاد است. فرهنگ‌سرای سرو در شمال پارک ساعی قرار دارد و علاقه‌مندان جایزه کتاب مهر می‌توانند عصر روز دوشنبه در این مراسم شرکت کنند.



شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ • ۲ شعبان ۱۴۳۸ • ۲۹ آوریل ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۵۰ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۹ • اذان صبح فردا ۴:۴۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



علی رومانی
aliromani84@gmail.com



سامسونگ
SAMSUNG

Galaxy S8 | S8+

از کران گذر



کریم ارغنده‌پور

ما گاهی نیازمند یادآوری هستیم. آنچه در سال ۹۲ اکثریت مردم را از همه طبقات و اقشار با درجات متفاوت باورمندی، اعم از مرد و زن، پیر و جوان، محروم و برخوردار، اقوام مختلف با گویش‌های متفاوت و نیز نیروی کار ماهر و غیرماهر، به روحانی رساند چه بود؟ همین جناب قالیباف برای بار دوم نامزد بود و ادعاهای مختلفی مطرح می‌کرد. برخی در برنامه‌های تلویزیونی اسکناس سبز به بیننده‌ها نشان دادند، ولی خوشبختانه اکثریت به جمع‌بندی دیگری رسید و همین نشان‌دهنده نوعی عقلانیت جمعی بود، به‌همین دلیل وقتی نام روحانی قطعی شد، شوروشوق عمومی به صورت خودجوش در شهرها شکل گرفت. آنچه بیش از هر چیز جامعه را به این انتخاب مصمم می‌کرد این بود که جامعه طعم تلخ هشت سال زمامداری از نوع احمدی‌نژاد

زیر آسمان

نقش نهادهای مدنی
در پرهیز از کلی‌گویی نامزدان

محسن هاشمی

در پی قطعی‌شدن سیاهه نامزدان تأیید صلاحیت‌شده انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دوازدهم و در خلا وجود احزاب استوار و پرتجربه، جا دارد نمایندگان اصناف جامعه ایرانی نظیر اتاق اصناف، اتاق صنعت و معدن، انجمن‌های کارگری، خانه موسیقی، انجمن نقاشان و مجسمه‌سازان، انجمن‌های حافظ محیط زیست، سازمان نظام‌مهندسی و پزشکی و انجمن مطبوعات و... همچون اقدام ستایش‌آمیز و هوشمندانه خانه سینما در انتخابات دوره دهم ریاست‌جمهوری با طرح مسائل و مشکلات‌شان از شش نامزد تأییدصلاحیت‌شده انتخابات ریاست‌جمهوری راه‌حل‌ها و برنامه‌هایشان را جویا شوند. این اقدام موجب می‌شود تا نامزدهای ریاست‌جمهوری از کلی‌گویی پرهیز کنند و به تنظیم برنامه و معرفی وزیر مربوط برای تحقق آن اهداف و برنامه‌ها مسئول و متعهد شوند. برای نمونه بد نیست هفت پرسش جامعه اصناف سینمایی ایران (خانه سینما) را که همچنان تازه و روزآمد هستند مرور کنیم:

- برنامه مشخص شما برای رونق اقتصاد هنر به‌ویژه قلمرو سینما چیست؟ و جست‌وجوی سهم تولیدات سینمایی ایران در جهان را چگونه دنبال می‌کنید؟
- اشتغال به تولید و عرضه در فعالیت‌های هنری به‌ویژه سینما را حق می‌دانید یا امتیاز؟ ساختار حقوقی و عملکرد دستگاه‌های اجرایی موجود و متکفل این عرصه، کدام گزینه را برگزیده است؟
- در چه مدت بیمه بی‌کاری هنرمندان مصرح در قانون برنامه چهارم را که تاکنون مغفول مانده، عملیاتی می‌کنید؟
- ممیزی در تولید و نمایش آثار هنری به‌ویژه سینما را چگونه می‌بینید و چه سازوکاری را برای اصلاح و روزآمدسازی آن برمی‌گزینید؟
- برنامه شما برای حمایت از حقوق مادی و معنوی هنرمندان و آثار سینمایی چیست و در چه مدت آن را اجرایی می‌کنید؟
- آیا ساختار، اهداف و برنامه‌های نظام موجود اداری حوزه فرهنگ و هنر را برای مدیریت توسعه این عرصه مناسب می‌دانید؟ در غیر این‌صورت چه ساختار و برنامه‌ای را برای روزآمدسازی آن طراحی و اجرا می‌کنید؟
- نامزدهای مورد نظر شما برای تصدی پست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چه کسانی هستند؟

اتفاق

صدایی که شنیده نشد



به‌زادگی کتاب «صدایی که شنیده نشد» به کوشش عباس عبدی و محسن گودرزی و به همت نشرنی منتشر شده است. این کتاب بخشی از تحقیقاتی است که در دهه ۵۰ شمسی با عنوان «طرح آینده‌نگری» انجام شد. این تحقیق از اولین نظرسنجی‌های ملی در کشور است و نشان می‌دهد که چگونه در زیر پوست جامعه، جریان دینی در حال رشد بود و نگرش‌های اجتماعی – فرهنگی و توسعه نامتوازن در ایران را تحلیل می‌کند. نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه، ۱۲ اردیبهشت ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «صدایی که شنیده نشد» اختصاص دارد که با حضور دکتر بابایزد مردوخ، دکتر علی‌اصغر سعیدی، عباس عبدی و دکتر محسن گودرزی در مرکز فرهنگی شهر کتاب در خیابان شهید بهشتی برگزار می‌شود.

پشت جلد

او تنها یک اسم نبود!

قدرت خرید مردم حتما به درجات بیشتری کاسته می‌شود. در کنار این اگر شرایط بین‌المللی را هم در شمار آوریم، می‌توان پیش‌بینی کرد که کاستن از ارزش پول ملی نوعی آسیب‌پذیرترکردن شرایط کشور در برابر تهدیدات خارجی هم هست که با وجود افراد خطرناک و سوداگری چون ترامپ در رأس مهم‌ترین قدرت نظامی جهان حالا اهمیت مضاعفی یافته است. خلاصه سخن من این است: همه شرایطی که در انتخابات گذشته جامعه از آنها می‌گریخت، حالا هم پاک نشده و باید نسبت به آنها حساس بود. آن چیزی که معیشت مردم را سامان بیشتری می‌دهد در درجه نخست مهار غول تورم و ثبات اقتصادی و فراهم‌کردن آرامش در سایه عقلانیت است. به نظر من مهم‌ترین شاخص عقلانیت امروز بالا رفتن مشارکت عمومی در انتخابات و در درجات بعد اعتمادکردن به کسی است که می‌تواند کشور را از گذرگاه‌های ناهموار سیاست خارجی عبور دهد و اجازه نمی‌دهد اقتصاد دچار تلاطم‌های غیرقابل‌کنترل شود. اینها قدم‌های مؤثری به جلوست که منافع «همگان» را تأمین می‌کند و آینده بهتری را نوید می‌دهد.

مشتری کافه خیابان وسط

آسانسور برای طبقات اجتماعی!



مهرداد حجتی

برای همین هم طوری برنامه‌ریزی کرده بودم که در دوران من همه بتوانند با استفاده از آسانسور در طبقات جابه‌جا شوند. متأسفانه این توفیق نصیب نشد و این برنامه ماند برای بعد. گمان می‌کنم این مترقی‌ترین برنامه‌ای بود که یک کاندیدا می‌توانست ارائه دهد. من حتی نمی‌خواستم مثل خیلی‌ها پُر بدهم که می‌خواهم همه را از طبقات پایین به بالا ببرم. بلکه در برنامه من حرکت از بالا به پایین هم بود. در برنامه من همه برای حرکت میان طبقات آزاد بودند. هرکس خواست می‌توانست بالا برود و هرکس هم که خواست پایین بیاید. آسانسورش قفل ندارد. خودم طراحی‌اش کرده‌ام. اگر یکی از کاندیداها راست این طرح را خواست شاید طرح را به او دادم. هرچند روی آن کلی زحمت کشیدهام. اما برای کمک به طبقات حاضرم این کار را بکنم. بعضی از سُمپات‌ها پرسیده‌اند که آیا این آسانسور تست فنی شده؟ البته که تست فنی شده. نمونه‌اش خودم که سوار بر آن توانستم تا این طبقه بالا بیایم. کارش حرف ندارد. سریع بالا و پایین می‌برد. در یک چشم برهم‌زدن می‌تواند شما را از اعماق بالا بیاورد و از بالا به اعماق ببرد. چند سال پیش یک نمونه اختصاصی تک‌نفره‌اش افتاده بود دست بابک زنجانی که از آن به شکل شخصی استفاده می‌کرد. به همین خاطر آن‌موقع خیلی‌ها کنجکاو شدند ببینند او چطور توانسته این‌قدر سریع تا آن حد بالا بیاید؟ آن موقع خودش لو نداد. این منم که برای اولین‌بار دارم این موضوع را لو می‌دهم. چون الان لازم بود یک نمونه عینی و ملموس استفاده از این آسانسور گفته شود تا همه متوجه کارایی آن بشوند. از شما می‌پرسم؛ واقعا حیف نیست که نتوانستم با این طرح انقلابی وارد رقابت بشوم؟ خیلی‌ها را یک‌شبه می‌توانستم به کجاها برسانم. حیف!

همین حوالی

مناظره دیدن در کافه‌ها

مناظره‌های تلویزیونی از خود نشان ندادند، اما رفته‌رفته با داغ‌شدن انتخابات، آنها نیز به خواست مشتریان گردن نهادند و چند مناظره باقی‌مانده را در تلویزیون‌های خود پخش کردند. تجربه یکی از مشتریان کافه رویال، در این زمینه شنیدنی است: «به نظر مسائل سیاسی مثل انتخابات ریاست‌جمهوری را باید به صورت گروهی در نظر گرفت و درباره‌اش فکر کرد. اگر مناظره را تنهایی در خانه ببینی، شاید خسته‌کننده باشد، اما دیدنش در جمع، باعث می‌شود بفهمی دیگران چه نظری دارند و چقدر نظرشان با نظر تو هم‌راستا یا متفاوت است.» شاید بر همین اساس بشود گفت که اگر کافه‌های مناظره‌ها را پخش کند، به صورت غیرمستقیم مشتری‌هایش چندبرابر خواهد شد و طبعاً آرام‌آرام به باتوق طرح مسائل سیاسی بدل می‌شود که شاید چندان به مذاق برخی خوش نیاید و عواقبی برای آن کافه در پی داشته باشد: «از زمانی که مدیریت این کافه را به دست گرفته‌ام، فقط یک شعار داشته‌ام، کافه جای دیدوبازدید و حرف و اظهار دلنگی است، نه جای سیاست. کسی اگر می‌خواهد از سیاست حرف بزند، می‌تواند برود توی پارک یا هرجایی که دلش خواست، اما در کمال احترام در کافه من جای این حرف‌ها نیست.» در کنار این استدلال، برخی هم در شبکه‌های مجازی دعوت عمومی برای دیدن مناظره‌ها می‌کردند، آن‌هم از کسانی که نمی‌شناسند تا به صورت گروهی در منزل به تماشای مناظره‌ها بنشینند. می‌گویند این‌طور بهتر است و نیاز نیست پول اضافه‌ای به کافه بدهیم.

سعید برآبادی: مناظره‌های انتخاباتی از دیروز – جمعه – آغاز و تلویزیون دوباره به یکی از رسانه‌های مهم خبرسازان کشور بدل شد، اما شاید انتخاب‌اولی‌ها برای دیدن این برنامه‌های داغ در خانه نمانند و راهی بیرون شوند. کجا؟ مثلاً کافه‌ها. از جمعه صبح، بعضی از کافه‌های معروف تهران دست‌به‌کار تبلیغ برای پخش مناظره‌ها شدند و از مشتری‌هایشان دعوت کردند عصر را در کافه میهمانشان باشند و به قول معروف به صورت «دوره‌می» شاهد یکی از مهم‌ترین اتفاقات روز کشور باشند. با مدیریت چند کافه در اکباتان حرف زدید و آنها دلیل این کار را علاقه‌ای که خود به دیدن این مناظره‌ها دارند عنوان کردند: «کافه‌های شهرک معمولاً عصرهای بهاری کمی دیرتر شروع به کار می‌کنند، اما از آنجایی که ساعت چهار بعدازظهر، زمان پخش مناظره‌ها بود، ما روز جمعه را یکسره باز بودیم تا مشتری‌ها بتوانند بعد از ناهار به دیدن مناظره‌ها بنشینند.» در کنار چنین کافه‌هایی، برخی از کافه‌های مهم تهران چندان علاقه‌ای به پوشش اخبار انتخابات نداشته و لاقال برای پخش اولین مناظره انتخاباتی، تمایلی از خود نشان نداده‌اند: «ترجیح می‌دهیم در محیط کافه فقط صدای موسیقی باشد، برای همین بازی‌های مهم ورزشی و برنامه‌های مهم سیاسی را در کافه پخش نمی‌کنیم و نخواهیم کرد.»

چهار سال پیش و در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین نیز وضع همین بود، ابتدا بسیاری از کافه‌ها تمایل چندانی برای پخش